



۱۵

سوسیالیسم امروز

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۷ - ۲۵ شهریور ۱۳۹۶

S_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام نیربجی

در کردستان هم "اتحاد" همه ممکن نیست!
(گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با رفیق ابراهیم باتمانی،
معاون دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی)

صفحه ۴

**از پیشروان جنبش کارگری میخواهیم در
حزب سیاسی شایسته خود متشکل شوند**
(گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با رفیق عزیز آجیکند،
معاون دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی)

صفحه ۱۰

- شرایط کنونی و آینده مبارزه جنبش طبقه کارگران

صفحه ۳

- آرزوهای خود فریبنده و آرمانهای درهم شکننده...

صفحه ۷

- به حزب سوسیالیست انقلابی می پیوندم

صفحه ۷

- تصاویری از تلاش فعالین حزب در حمایت از زندانیان در بند
و اعتصابی

صفحه ۹

-از میان نامه ها:

صفحه ۳

-کارگر کولبرم را "آرزو" نیست!

صفحه ۶

- بوکان در گرداب مواد مخدر!

**سند مصوب کنفرانس
موسس حزب در
باره سیاست ما در
جنبش کارگری**

صفحه ۸

هر هفته روزهای
شنبه نشریه
سوسیالیسم امروز
منتشر میشود

صفحه ۱۲

**سند مصوب کنفرانس
موسس حزب در باره
سرنگونی
(کدام سرنگونی؟)**

صفحه ۷

**اطلاعیه حزب سوسیالیست انقلابی در
باره شروع سال تحصیلی ۱۳۹۶
سال تحصیلی جدید را به
شروع مبارزه متحد
سوسیالیستی علیه نظام
اسلامی تبدیل کنیم!**

۹ میلیون نفر بیسواد مطلق، یعنی کسانی که
اکیدا قادر به خواندن و نوشتن نیستند. بیش
از ۱۱ میلیون کم سواد، یعنی کسانی که به
سختی قادر به نوشتن و خواندن می باشند،
وجود صدها کلاس درس کپری در
استانهای جنوبی کرمان، سیستان و
بلوچستان و هرمزگان و دیگر نقاط، بیش
از هفت میلیون کودک کار و خیابانی، و
اینها آمار منتشر شده توسط مراکز خبری
جعل و سانسور حکومت اسلامی است.

علاوه بر اینها، وجود هزاران مدرسه فاقد
استانداردهای لازم و بدون امکانات، که
هر ساله شاهد آتش سوزی و فرو ریختن و
آوار شدن این مدارس و فجایع دردناک و
تلخ و مرگ و میر دانش آموزان هستیم،
خصوصی سازی مدارس و تحصیل و رشد
قارچ گونه انواع مدارس خصوصی، غیر
انتفاعی و هیئت امنایی و... جهت اخاذی از
جیب خالی خانواده های کارگران و
زحمتکشان، افزایش سرسام آور شهرییه
و هزینه های دانشگاهی، خصوصا دانشگاه
آزاد، که تا دیروز مایملک و دارایی
خانواده رفسنجانی بود و اکنون دارایی و
مایملک "رهبر"، باند فاسد و دزد خامنه
ای جنایتکار است.

پدیده دست فروشی دختران دانشجو
در متروهای تهران و سنگ شویی
قبور مردگان در قبرستان بهشت زهرا
تهران، دست فروشی و تن صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

ناسیونالیستهای بیرون و درون حکومت، به جنبش خود سروسامان بدهد.

مبارزات شما بایستی در ارتباط نزدیک و هم فکری و هم جهتی کامل و همبسته با دیگر جنبشهای اجتماعی مترقی، خصوصا در ارتباط و پیوند نزدیک با جنبش کارگری باشد. مبارزات متحد و مستقل و سازمانیافته و روز افزون و پرگسترش تنها سلاح برنده ما برای پیشروی و برای تامین خواسته ها و حقوق انسانیمان در برابر جانیان اسلامی و سرمایه داران حاکم است.

دوستان و رفقای عزیز!

برای گسترش مبارزه، برای تامین پیشروی و پیروزی، برای تامین خواسته های برحق و انسانی، برای آموزش مجانی و همگانی، برای زدودن ارتجاع و مذهب و خرافه و اسلام از کلیه مظاهر زندگی، برای لغو آپارتاید جنسی، برای سکولاریسم و برابری و آزادی، برای تامین یک جامعه سوسیالیستی و مرفه و خوشبخت و انسانی به صفوف رزمنده حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید. این حزب شماست برای پیکار، برای پیروزی.

با این امید که سال تحصیلی جدید را به شروع مبارزه متحد سوسیالیستی علیه نظام اسلامی تبدیل کنیم!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی!

زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۵ شهریور ۱۳۹۶

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۷

مبارزه و تلاش برای تامین خواسته های صنفی لازم است و باید کلیت این حکومت و سیستم فساد و غارت و چپاول و جنایت اسلامی را به مصاف کشید و حول مطالبات برحق و رادیکال که فوقا برشمرده شد، و با پرچم سوسیالیستی و ازادخواهانه باید به سوی سرنگونی این نظام ضد تمدن و ضد آموزش و برابری و پیشرفت قدم جدی برداشت.

علیه سیستم ننگ آورجاسوس پروری و بسیجی کردن دانش آموزان و دانشجویان و امنیتی کردن فضای مدارس و دانشگاه لازم است به میدان آمد! با پرچم آموزش و پرورش غیر مذهبی، در مخالفت با جداسازیهای جنسیتی و قیحانه، و با بیرون کردن همه اوباش جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی، ضروری است به میدان آمد.

باید یکبار برای همیشه منشا اصلی این فساد و انحطاط و استبداد برچیده شود. وظیفه خانواده هاست که با همدلی و حمایت خود در کنار مبارزات معلمان و دانشجویمان باشند و موجبات پشت گرمی و دلگرمی و پیشروی مبارزاتشان را فراهم نمایند. اعتراضات انفرادی و دسته و گریخته در اینجا و آنجا کافی و کار ساز نیست. در همه سطوح مدارس و دانشگاهها بایستی و ضروری است که دانش آموزان، دانشجویان و معلمان آگاه و مبارز به فوریت مجامع عمومی و شوراهای واقعی و مستقل خودشان را برپا نمایند. مجامع عمومی و شوراهای مستقل از دولت و سیستم ارتجاعی شوراهای اسلامی و بسیجیهای مزدور باید در سطح مدارس و دانشگاهها، در سطوح منطقه ای و سراسری به همت همه ما فرا روید. جنبش پیشرو سوسیالیستی و انقلابی و سکولار ما لازم است همچنان مستقل و به دور از هر گونه چسبندگی و توهم و دنباله روی از انواع جریانهای ارتجاعی دولتی و غیر دولتی سبز و سیاه و بنفش و اصلاحات طلب و یا ملی-اسلامی و

بسیجی و اطلاعاتی در هیئت انجمنها و شوراهای اسلامی و حراستیها در همه سطوح آموزشی، و در عین حال به حاشیه راندن معلمان و اساتید دلسوز و تحصیل کرده و مجرب و... فقر و فلاکت سنگین و بیسابقه و روز افزونی که معلمان و خانواده هایشان را به ورطه تلاشی و نابودی کشانیده است.

همه اینها و بسیاری فاکتورها و موارد ناگفته دیگر کارنامه و بیلان مردود و مستبد و قرون وسطی حکومت اسلامی سرمایه داران و جنایت این سیستم جنون و جهل مذهبی در حق آموزش و پرورش است. اعتراضات روزمره و هر لحظه ای معلمان و دانشجویان مدام در جوش و خروش و غلیان است. اما این مبارزات در صورت متکی شدن به سیاست و اهداف سوسیالیستی و متحدانه میتواند گامهای مهمی بردارد و جمهوری اسلامی را به عقب نشینی و شکست مواجه کند. دستگیری و بازداشت و تهدید نمایندگان کانون صنفی معلمان اسماعیل عبدی و محمود بهشتی لنگرودی شایان بزرگترین تجمعات حمایتی هستند. شروع سال تحصیلی همچنین میتواند به سال گسترش مبارزه علیه قوانین و سیستم استبدادی و اسلامی در جامعه و مراکز فرهنگی، و به حمایت جدی مراکز آموزشی از مبارزات طبقه کارگر و کلیه بازداشت شدگان فرهنگی و کارگری تبدیل نمود.

معلمان، دانشجویان و دانش آموزان و خانواده ههای گرامی!

دوستان گرامی، عزیزان! مبارزات هر روزه شما بر علیه حکومت همچنان سیال و جاری و دامنه دار است اما این بخودی خود کافی نیست. مبارزات صنفی شما برای تامین خواسته های برحق در عین حال که برحق، حق مسلم و حقوق ابتدایی شماست و بایستی همچنان ادامه دار باشد اکیدا کافی و جوابگو نیست، پراکنده و غیر متشکل است. در عین

سپاری این دختران به انواع کارها و مشاغل سیاه جهت تامین هزینه های دانشگاهی، خودکشی و انتحار هر ساله تعدادی از دانشجویان بعلت درمضیقه بودن و اعمال انواع فشارهای اقتصادی و مالی و روانی توسط حکومت اوباش اسلامی به دانشجویان، آپارتاید و جدا سازی جنسیتی در دانشگاهها و مراکز آموزشی بر اساس تعالیم قرون وسطایی و ارتجاعی و ضد انسانی مذهب اسلام و غیره همه گواه بر وجود یک سیستم پیرانگر و ظالمانه غیر قابل پذیرش و بدور از شان معلمان، دانش آموزان و دانشجویان مترقی و آزادیخواه است. در مملکتی شاهد چنین فجایعی هستیم که بر روی کرور کرور ثروت و سرمایه خوابیده است، که میلیاردها و میلیاردها "اختلاس"، و هزینه کردن میلیاردها و میلیاردهای دیگر برای کشتن و نابود کردن جامعه و معلم و دانش آموز و دانشجو و کارگر کشورهای همجوار در جهت خدمت به بقای ننگین خودش دارد هزینه میکند!

حذف بسیاری از رشته های علمی و تخصصی برای دختران و زنان، بعبارتی مردانه و زنانه نمودن امر تحصیل و آموزش، عدم امکانات خوابگاهی مناسب، حداقل خوابگاههایی که فاقد کمترین امکانات رفاهی و زندگی هستند، و در عین حال این مراکز عموما بر اساس قوانین اسلامی و به شیوه فشار و رعب سربازخانه ای اداره و کنترل میشوند. تهی سازی کتب آموزشی و درسی از مطالب علمی و ضرور و مورد نیاز زندگی و جامعه از پیش دبستانی تا رشته های فوق دانشگاهی، و انباشتن انواع خرافات و خزعبلات عقب افتاده اسلامی در آنها، اعمال فضای امنیتی، خفقان و سانسور و سرکوب در کلیه مراکز تحصیل و آموزش، حاکمیت مزدوران پاسدار و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر کولبرم را "آرزو" نیست!

آبیدر ۵۲ سنندج

وضعیت کارگران کولبر قابل وصف نیست. از سختی راه های به شدت ناهموار و سربالایی ها و شیب های تند و حشتاک، از گرسنگی و تشنگی و کارکردن و پیاده راه رفتن در ساعات نامتعارف روز، از ساعات نیمه شب گرفته تا خطر پرتگاهها و گاه تیراندازی از طرف ماموران حکومت اسلامی، همه اینها دست به دست هم داده اند تا کسب لقمه ای نان برای کارگر کولبر کابوس شود.

در ذهنمان تصاویری از کوهستان های برفی و یا کوه های سر به فلک کشیده ترسیم شده است. در اینجا فصل های سال بی معنی اند. نه سرما و نه گرما شاید مانع سر راه نشوند. باید رفت و رفت تا بتوانی به لقمه نانی برسی. ما میرویم، رفتن فلسفه ای ماست و باید رفت و از قلب کوهها گذر کرد. شاید بازگشتن مان با تفنگها باشد که شلیک شوند و در قابی آرام گیرند و یا اینکه تیرخراطا رود. بازگشتن احتمال است، شانس است، دروغ است و شاید هم یک حادثه، حادثه ای که خبر نمیدهد و زود هنگام میرسد و قلبی را از تپیدن باز میدارد و چشمان در انتظاری را در اشک و غم فرو می برد. پست آن کوه های سربه فلک کشیده که مرگ برانسان چیره می شود و جدال مرگ و زندگیست، سردترین تابوها ترسیم شده اند، استخوان یک انسان و روسری سیاه زنی که سرگذشت یک عمر بدبختی را به نمایش میگذارد. ما می رویم رفتن فلسفه زندگیست اما راه حرکت نمی کند، سرتمای پیچ و خم های راه و زندگی، عزرائیل و مرگ با زبان بیگانه طومار برایمان میخوانند. شبهای اینجا شاید سرد و ترسناک باشند و غرش تفنگ هاسکوت را در هم بشکند، سکوتی که آرزوی خنده لبان کودکان را برای همیشه ساکت میکند.

شاید اولین باری نباشد که برای کولبری رفت، اما ترس در اینجا به جانها می افتد. ممکن است با یک اشتباه کوچک دیگر باز نگردی. در اینجا است که همه آرزوهای بر باد رفته بار دیگر بر سر زبانه ها خواهد آمد. خاطرات کودکی و فقر و بی حقوقی شاید بدبختی.

در اینجا و در این دیار سکوت و پرحادثه اکثر اوقات خیال میکنی فصل زمستان است، نه درختی سبز است نه صدای خنده بچه ها می آید، مادرهایی هنوز منتظرند و مردانی در کوهستان با مرگ دست و پنجه نرم می کنند. در این کوهستانهای سربه فلک کشیده مادر و پدری سالهاست چشم به راه دوخته اند با خود میگویند به روزی پسرمان از راه خواهد رسید. آنها هنوز مرگ پسرشان را باور ندارند و حتی نمی فهمند چرا به آنها گفتند پسرشان "قاچاچی" بوده است؟! در حالی که دوستان پسرشان قسم خوردند که بار اوقفط لباس بوده است و همین و بس. پدر و مادر بیمار و ناتوان نمی توانند تیر خوردن جگر گوشه شان را باور کنند، آخر پسر این خانواده داستانی مشابه هزاران خانواده زحمتکش این دیار دارد که آنها هم هنوز چشم انتظار عزیزانشان هستند..

داستانی که شاید وقتی از خانه بیرون رفتی دیگر برنگردی همچون همسایه پارسالی وقتی برای آوردن "کول" راهی اون ور مرزها شد و از دید چشمها دور شد و دیگر برنگشت و هنوز هم چشمهایی آنسوی مرز را می پابند.

ما می رویم و لازم است رفت و باید هم رفت و اگر یک روزی حادثه ای یا مرگی و یا بازنگشتنی ما را برد و بازنگشتیم به نامزدهایمان بگویید، شوهر بیوه زن همسایه مان هم یک "کارگر کولبر" در همین کوه های سر به فلک کشیده بود. یادتان نرود حتما این پیام را برسانید ...

شرایط کنونی و آینده مبارزه جنبش طبقه کارگران

بیژن کلهر

اعتراض و مبارزه و نگرانی در کنار اوضاع تحمیل شده فلاکتبار اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی و استبدادی حاکم بر جامعه ایران واقعیت امروز جامعه ما است. در کشوری که جزو ثروتمندترین کشور منطقه است بیشتر مردم زحمتکش با گرسنگی و فقر و بیکاری و شرایط بسیار شدید فشار روانی نیز روبرو شده است.

فشار اقتصادی گسترده و مداوم، که توام هست با فشار و سرکوب امنیتی، عمدتاً علیه فعالین کارگری که به این شرایط معترض هستند، زندگی را بر تودهای زحمتکش و ستمدیده را سخت کرده و زندگی و شرایط کنونی را نیز غیر قابل تحمل تر. به همین دلیل اکنون بطور مستمر شاهد اعتراضات متعدد علیه فضای سرکوب، بیکار سازیها و عدم پرداخت دستمزدها و غیره هستیم. گر این روند فقر و سرکوب پدیده تازه ای نیست، ما را به آن عادت داده اند، و در طی نزدیک به چهار دهه اخیر از جانب حکومت فاشیستی ایران به جامعه و کارگران دارد تحمیل میگردد، اما هر سال بیشتر از سالیان پیش قربانی و فقر و نابودی و شکل تحقیر و سرکوبها سیر رو به گسترده تری پیدا کرده است.

فاصله فقر و ثروت اکنون بسیار بیشتر از سالیان پیش است. به همین اعتبار تضاد و کشمکشها و بدبختی و گرسنگی و دعوای هم عمیقتر و گسترده تر شده است. بخشی از تودها سعی داشتند و بر این امید بودند که شاید اوضاع اقتصادی و... بهتر شود و نفسی بکشند. اما حال طبقه کارگر ایران و اکثریت تودهای زحمتکش به روشنی دریافتند که امیدوار شدن به بهتر شدن شرایط اکنون امید واهی بیش نبوده نیست. تنها راه رهایی از این زندگی نکبتبار سرنگونی حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران از طریق اتحاد و آگاهی طبقاتی با پرچم و سیاست و آرمان سوسیالیستی می باشد.

طبقه محروم و گرسنه برای خلاصی اش از این وضعیت فلاکت بار، راهی جز مبارزه پیگیر و انقلابی تا سرنگونی سیستم سرمایه داران متکی به مذهب و ناسیونالیسم که همواره از این ایدئولوژیهای ضد انسانی علیه کارگر و در جهت توجیهات فلاکتبار کنونی بهره میگیرند، در مقال خود ندارد. فعالان کارگری و پیشروان رادیکال سوسیالیست به تشکیل یابی و سازماندهی کارگران و تحزب خود علیه نظام سرمایه داری اسلامی و همچنین به سیاست و استراتژی سوسیالیستی و کمونیستی نیاز فوری دارند. بدون تدارک چنین اقداماتی نمیتوانیم از آینده موفق برخوردار باشیم.

اگر مبارزات پراکنده خود را متحد و پیگیر سازمان دهیم، اگر فعالین و پیشروان طبقه کارگر و حزب سوسیالیستی کارگری با تمام توان روند مبارزه طبقاتی را به درستی هدایت و رهبری کنند میتوان امیدوار بود که یک انقلاب سرتاسری برای سرنگونی سرمایه داران و اخوندها و پایان دادن به این همه سال بدبختی سازمان داد. یا حداقل اگر قیامی شروع شود مثل سال ۵۷ دوباره یک جریان ضد انسانی دیگر قدرت نمی گیرد. بلکه ما خودمان قدرت دولتی را بدست خواهیم گرفت تا راه آزادی و برابری و رفاه جامعه را به مسیری که به نفع کارگران و زحمتکشان است به سر انجام برسانیم.

زنده باد مبارزه حق طلبانه کارگران و زحمتکشان، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران، نابود باد جمهوری اسلامی ایران.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

در کردستان هم "اتحاد" همه ممکن نیست!

(گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با رفیق ابراهیم باتمانی، معاون دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی)



این اعتراض در دفاع از منفعت کارگران و مردم فقیر و کارگران "کولبر"ی بوده که رژیم آنرا میکشد و

سرمایه دار کرد بانه ای یا هر جای دیگری نیز همزمان و وحشیانه ازش کار میکشد در مرزها. این اعتراض به سرکوب و جنایت حکومت ظالمانه سرمایه دارانی بوده که همزمان کارگران دیگری را در تهران و گوهر دشت را سرکوب و به زندان و اعتصاب و نابوده کشانده است. نباید اجازه داد بجای دفاع از این همبستگی مبارزاتی، بجای دفاع از معیشت، نان، آزادی، امنیت، بیمه بیکاری و... آنرا به مسیر بی معنی و نادرست کشمکش "کردها" با "فارسها" یا اینکه گویا بغیر از کردستان خبری از ظلم و ستم و کشتن و تحمیل فقر و بدبختی در ایران نیست. در هر صورت حزب ما بر همبستگی مبارزاتی و طبقاتی از کارگران کولبر تا اعتراض به زندانی کردن و اعتصاب کارگران در بند در تهران و گوهر دشت تاکید کرده بود و تاکید خواهد کرد. حزب گفته بود نباید مبارزه به هم پیوسته بانه-تهران را از هم جدا کنند، چه رژیم باشد چه یک جریان ناسیونالیست حق چنین کاری را ندارند. سیاست درست و متفاوت و انقلابی ما از این زاویه بوده و جا دارد مورد حمایت وسیع قرار بگیرد.

دیگر با شنیدن این خبر ناگوار بلافاصله با اعلام خشم و نفرتشان از عملکرد رژیم جنایتکار دست به اعتصاب و اعتراض و راهپیمای زدند و خواستار مجازات عاملین این جنایت شدند.

اینجا جا دارد هم از جانب حزبمان و هم از طرف خودم به تمام آن کسانی که در این حرکت شجاعانه و انقلابی تلاش و شرکت کردند درود بفرستم و دستشان را به گرمی میفشارم. حزب سوسیالیست انقلابی ایران در یک اطلاعیه روشن و طبقاتی از اعتراضات آنها دفاع کرد و در ضمن تلاش کرد راه درست و موضع سیاسی و طبقاتی درست را در این رویداد به معترضین توصیه کند.

ویژگی این حرکت عمدتاً جنبه طبقاتی قضیه بود، هر چند گرایشات دیگری نیز، از جمله ناسیونالیسم کرد، هم به ناحق از آن بهره گیری نمود و در مواردی با شعار و هیاهوی "کرداپتی" در صدد برآمد اساس مبارزه برحق کارگران و مردم مبارز را مخدوش نماید. ویژگی مواضع حزب ما هم همینجا بود که نباید اجازه داد اعتراض به چنین جنایتهای که رژیم فاشیست اسلامی مرتکب میشود تبدیل کنند به اعتراض نیمبند ناسیونالیستی به حاکمیت. نباید اجازه داد با شعار ملی گرانی و یا مذهبی وارد اعتراضاتی شد که هیچ ربطی به مسله ملی و غیره ندارد.

سوسیالیسم امروز: در ادامه جنایت بی وقفه جمهوری اسلام در حق کارگران "کولبر" اخیراً با کشتن دو کارگر دیگر در بانه با موجی از اعتراض روبرو گردید و چند شهر را در بر گرفت. حزب سوسیالیست انقلابی موضع شفاف و متفاوت تری گرفت. بنظر شما ویژه گی این اعتراضات چه بود و موضع گیری حزب شما چرا متفاوت تر بود؟

ابراهیم باتمانی: این رژیم جنایتکاری است که به قدمت عمر ۳۹ ساله ای که به جامعه ایران تحمیلش کردند و در قدرت است تا الان شغل شریفش آدم کشتن بوده، و این مهمترین ابزارش برای تحمیل خود به جامعه است و تازگی هم ندارد. جنایت کشتن کارگران در مرز نیز در امتداد همین زنجیره جنایتهای است. در آن رویداد جان دو کارگر کولبر به اسم حیدر فرجی ۲۱ ساله وقادر سهرابی ۴۵ ساله که اهل شهر بانه بودند به دستور فرماندار بانه و نیروهای حافظ جهل سرمایه کشته شدند. اما جان باختن این دو کارگر موجی از اعتراض را در چندین شهر در کردستان و بعضی نقاط دیگر ایران خوشبختانه به دنبال داشت.

بخشی از مردم معترض و مبارز و انقلابی در بانه و میوان و سنندج و شهرهای

سوسیالیسم امروز: برخی از جریانات انرا حرکت "ملت" خود آگاه، جنبش توده ای "کردستان انقلابی" و برخی از جریانات چپ با شعار "مردم متحد میشوند"، حتی برخی آشکارا شعار فاشیستی و ناسیونالیستی پخش کردند که گویا "فارسها" و بقیه مردم ایران به حمایت این اعتراضات بر نمیخیزند! آیا براستی آنطوری که برخی در تبلیغات پوپولیستی خود مدعی شدند، امکان این هست "همه مردم" را "متحد" کرد حتی علیه جمهوری اسلامی و جنایتهای آن؟ آیا در کردستان ما با "یک ملت" و "یک جنبش" و "یک هدف" و "یک آینده مشترک روبرو هستیم؟

ابراهیم باتمانی: اولاً هر جریان و حزب و فردی حق دارد هر طوری که دوست دارد موضع سیاسی بگیرد. اما از همه مهم تر این است که قضاوت دیگران چه است؟ اوکی "ملت" نامیدن هر حرکت یا جامعه ای قبول! اما باید این را هم قبول کنیم که اکثریت بالاتر از نود در صد همان "ملت" سرمایه داران نیستند! کارگران و زحمت کشانی هستند که هم از جانب دولت و

سرمایه دار غیرکرد و هم از جانب "ملت" سرمایه دار کرد در کردستان، و هم از جانب مزدوران دولتی که کرد زبان هستند، و همچنین از جانب احزاب حاکم و غیر حاکم کردی نیز همواره مورد ستم و سرکوب و فریب قرار میگیرند. پس همه یک "ملت" یکدست نیستیم! بخشی از این "ملت" بخش بزرگتری از همان "ملت" را دقیقاً مانند خود جمهوری اسلامی و یک سرمایه دار "فارس" یا "ترک" استثمار میکند. بدین ترتیب یک جنبش هم نیستیم!

از نظر من ملت ساختگی و دستکرد نظام سرمایه داری موجود بوده و هنوز هم هست. به اسم ملت، خاک، و وطن چه جنایتها و خونهای ریخته میشود و انسانها را در مقابل همدیگر قرار میدهند. به اسم ملت در مقابل هم شلیک میکنند و مردم عادی و کارگران را قتل عام میکنند. به اسم ملت هم کارگر کولبر را میکشند و هم استثمار. آن شعارها و احزابی که اشاره کردید همگی در جهت کمک به طبقه سرمایه دار و تضعیف جنبش طبقاتی کارگران و یکی از دلایلها بقای حاکمیت همین رژیم آدمکش نیز وجود چنین سیاستهای است که اجازه نمی دهند صف انقلابی متحد و خود آگاه به میدان بیاید و تیشه به ریشه سرمایه داران و حاکمیت در جامعه کردستان و ایران بزند. نه در کردستان و نه در تهران و نه هیچ جایی همه "مردم" متحد نمیشوند حتی علیه رژیم اسلامی،

چون همه این مردم منفعت و آزادی و امنیتش با وجود جمهوری اسلامی بطور یکسان نه به خطر افتاده و نه بخاطر خواهد افتاد.

از دیدگاه من کلمه ای به اسم "ملت" و فریب دادن کارگران و مردم آزادیخواه به این بهانه بسیار ارتجاعی و ضد بشری است. بوی خون میدهد و خون بر پا میکند. امثال من که کارگر و کمونیست هستیم، طرفدار هیچ ملت و هیچ نوعی ناسیونالیسمی، چه فارس زبان و ایرانی، چه ترک زبان، چه کردی زبان و غیره نیستیم و نمیتوانیم باشیم چون علیه انسانیت و منفعت خودمان میدانیم. من طرفدار جنبش طبقه کارگر و محرومان و زحمت کشان و انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و انسان دوست هستم. هر اتفاق و تحولی که پیش بیاید از زاویه منفعت طبقاتی انرا بررسی نموده و همواره در صف طبقاتی خودباقی خواهیم ماند.

در رابطه با آن بخش از جریانات چپ نیز که میگویند "مردم متحد" شوید ظاهراً مواضع "مردم پسند"ی است، اما این شعار طبقاتی نیست بلکه راست و پوپولیستی است و غیر ممکن است چنین اتفاقی در جامعه. مگر جامعه ایران طبقاتی نیست؟! اگر طبقاتی هست خوب که نمیشود همه را در یک جا و برای یک هدف جمع کرد. اگر چنین هم باشد هر جنبشی میخواهد مسیر آنرا به سوی هدف خود ببرد و از بدو شروع باید این حقایق را بدانیم. آن دسته از مردم انقلابی نمیتواند متحد سرمایه دار کرد یا مزدوران کرد و مذهبها و مرتجعین باشند. حتی در احزاب اپوزیسیون موجود در ایران نیز همه دارای سیاست و اهداف

انقلابی نیستند. برای نمونه ناسیونالیستهای ایرانی مثل سلطنت طلبها و یا قوم پرستان و فدرالیست چپ های ناسیونالیستهای کرد و یا مجاهدین خلق به قدرت برسند زندگی کارگران و محرومان جامعه را به نابودی و تباهی میکشند دست مانند خود جمهوری اسلامی. طبقات دارا ثروتمند تر میشوند و خودشان اطرافیانشان به میل خودشان ثروت ان جامعه را بالا میکشند. مگر در همین کردستان یا ایران اینها را ندیده ایم؟

ما یک جنبش و یا یک طبقه نیستیم. دو جنبش متفاوت و متضاد همدیگر هستیم، یکی جنبش سرمایه داری و طبقه حاکمه و دولت و احزاب خودش را دارد، و دیگری که ماها باشیم جنبش سوسیالیستی، جنبش کمونیستی طبقه کارگر و مردم زحمت کش و ستمدیدگان و صف آزادیخواهان جامعه را تشکیل میدهیم. ما با هم سر جنگ داریم، نه اتحاد!

سوسیالیسم امروز: سیاست حزب سوسیالیست انقلابی در قبال گسترش مبارزات انقلابی چه در این زمینه و چه بطور کلیه علیه جمهوری اسلامی چیست؟

ابراهیم باتمانی: ما به تازگی حول مجموعه مسائل مهمی از جمله سوال شما در باره اعتراضات و مبارزات انقلابی و اجتماعایسنادی را تحت عنوان "کدام سرنگونی" و "مصافها و اولویتهای" و غیره تصویب کرده ایم که سیاست کارگری و انقلابی متفاوت تر از بیشتر چیزها را نمایندگی میکند. اساس آن متکی به جنبش و سیاست و صف مستقل سوسیالیستی و انقلابی و عدم پذیرش سیاستهای که کارگران و جامعه را دنبال احزاب راست یا جناحهای از حاکمیت و یا تکرار سناریوی سال ۵۷ و روش پوپولیستی و ملی گرای چیزها است.

از اینرو همچنانکه پیشتر گفتم نسبت به رویداد بانه ما موضع درست و روشن طبقاتی گرفتیم. بنابر این حزب سوسیالیست انقلابی ایران باید در قبال گسترش مبارزات موضع شفاف و طبقاتی روشنی داشته باشد. خوشبختانه که دارد. حزب ما نظاره گ نیست بلکه در حد توان و قدرت و موضع روشن که دارد دخالت میکند. حزب ما طرفدار اصلاحات از درون رژیم یا حامی جناحی از درون رژیم نیست! ما تصمیم گرفته ایم که بدون اما و اگر کلیت این حکومت جنایتکار را با اتکا و همراهی و سازماندهی طبقه خودمان سرنگون کنیم. برای آشنائی بیشتر با سیاستهای ما خوانندگان گرامی نشریه را به سایت حزب و از جمله به شماره دوازدهم نشریه سوسیالیسم امروز که، در آن کلیه مصوبات کنفرانس موسس حزب منتشر شده است، رجوع میدهیم.

سوسیالیسم امروز: فراخوان شما به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و زحمتکش کردستان چیست؟

ابراهیم باتمانی: تمام کمونیستها و آزادیخواهان و برابری طلبان، و کلیه کارگران و زنان و جوانان و معلمان مبارز و انسانهای شرافتمند را فرامیخوانم که دست در دست هم بگذارند و با دید روشن و طبقاتی و با پرچم و هدف سوسیالیستی در جهت نابودی این رژیم جنایتکار گام برداریم. حزب سوسیالیست انقلابی، حزب این تلاس و مبارزه است. حزب تک تک شما مبارزین راه آزادی و برابری است. این حزب بر اساس ضرورت سیاسی و طبقاتی امروز جامعه ایران تشکیل شده است و تلاش کنید اسم و ارم و سیاست این حزب را معرفی کنید و به این حزب ملحق شوید. به امید پیروزی صف سوسیالیستها، کارگران و آزادیخواهان و سرنگونی هر چه زودتر جمهوری اسلامی!

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

بوکان در گرداب مواد مخدر! گزارشی از " ناله شکینه ی ۲۱" در شهر بوکان

اعتیاد امروزه بیشتر در حاشیه های شهر بوکان پروبال گرفته است. شهر بوکان پاتوق و مرکز فروش مواد مخدر شده است. اکثریت کسانی که در این بخش فعالند و به جوانان مردم مواد مخدر می فروشند از نیروهای خود رژیم و و مزدوران حکومتند. از طریق سپاه پاسداران به این کار گمارده شده اند تا بدین شیوه جوانان مردم را به بلای خانمانسوز اعتیاد گرفتار کنند.

این روزها وقتی از خیابان ها و کوچه های شهر گذر میکنی با چهره های عبوس و درهم شکسته معتادانی روبرو می شوی که در تنهایی خود غرق شده اند و به این بلا گرفتار هستند.

همان زنان و مردانی که هر روز با چشم های خسته و نیمه بازشان گذر عابران پیاده را دید می زنند و هربار از نگاه شهروندان گم می شوند. لازم نیست زیاد دور شوید می توانید از همینجا چهره ها را به خوبی تشخیص دهید. بسیار سخت نیست که فهمید که چرا جوانان مابه این بلا گرفتار آمده اند. همه آندسته از کسانی که در این گذر هستند قدم به قدم در جستجوی افرادی اند که دنبال مواد می گردند. این افراد که از خود رژیم هستند با ایماء و اشاره آنها را به طرف خود میکشانند و بسته کوچکی را در دستانشان میگذارند و با نگاه کوتاهی به سمت چپ و راست خود متوازی میشوند.

در این مکانها شاید، اعتیاد پیرو جوان، زن و مرد، باسواد و بیسواد را نشاسد و متأسفانه بسیاری در دامش گرفتار هستند. این روزها تا از مواد مخدر حرف به میان میاد فوراً همه نگاه ها به سوی میدان اسکندری و حاشیه های شهر می رود که به مرکز اصلی خرید و فروش مواد مخدر تبدیل شده است.

نابرابری های اجتماعی، مشکلات خانوادگی، فقر و همه مهمتر بیکاری از عواملی است که آمارهای رسمی میگوید 4800 نفر (در واقع بسیار بیش از این آمار) معتاد در شهر بوکان موجود است. یکی از دردناک ترین مسایل مربوط به اعتیاد در شهر بوکان، اعتیاد جوانان کم سن و سال و زنان است. جوانان سر خورده و محروم از همه امکانات زندگی برای فرار از مشکلات اجتماعی و خانوادگی، تبعیض و فقر و دیگر معضلات ساخته شده از سوی جمهوری اسلامی، متأسفانه به مواد مخدر پناه می برند. پناه به چیزی می برند که ویرانگر خانواده و جامعه است و مشکل روح و روان آدمی را به بالا ترین درجه می رساند. متأسفانه امروز اعتیاد به مواد مخدر در کردستان و به خصوص در شهر بوکان دامن کودکان و نوجوانان را نیز گرفته است.

اعتیاد یکی از حربه های جمهوری اسلامی است که سرمایه گذاری و تمرکزی جدی از جانب حکومت بر روی این موضوع به عمل آمده است. حکومت جمهوری اسلامی به علت ناکام ماندن در سیاست های پیشین خود

برای به زانو در آوردن مردم و جوانان انقلابی و پر شور به توطئه های گسترش اعتیاد در میان آنها و به کمک مزدوران خود در بین سپاه پاسداران و عوامل اطلاعاتی در شهر بوکان دست زده است.

طی سال های اخیر وضعیت اعتیاد در شهرهای کردستان به یمن سیاست های جمهوری اسلامی بسیار بدتر از قبل شده است. این سیاست ها عامدانه است و هم زمان به دهدف خدمت میکند اول اینکه خنثی کردن رادیکالیسم و مبارزه جویی جوانان و دور کردن آنان از سیاست با حربه اعتیاد و دوم دستیابی به سودهای کلان از راه تجارت مواد می باشد. طبق قانون، خرید و فروش مواد مخدر ممنوع است، اما در کردستان مانند سایر استان ها دست فروشندگان مواد همچنان باز است.

همچنانکه گفته شد چه در بوکان و چه در دیگر نقاط ایران و کردستان مقصود بانی اصلی در اعتیاد جوانان رژیم اسلامی می باشد. معتاد شدگان قربانیان این نظام و مناسبات تولیدی اجتماعی سرمایه داری و نظام سیاسی آن یعنی رژیم اسلامی است. بنا به منافع و اهداف استراتژیک سیاسی- اجتماعی اش، آنان را به چنین وضعیتی گرفتار کرده اند. معتاد شدگان انسان های شریفی هستند. این انسانها به حمایت و همبستگی انسانی- اجتماعی و بیان همدردی، محبت و عواطف انسانی اجتماع و همه ما نیازمندند. آنان را باید مداوا کرد و پذیرفت.

باید از هر لحاظ آنان را یاری کرد. شخصیت اجتماعی- انسانی آنان را محترم شمرد و برای ترک این مشکل باید به

آنان اعتماد بنفس داد. باید نفرت و بیزارای خود را بطور سازمانیافته و هدفمند، علیه رژیم اسلامی در ایران و شهرهای کردستان از جمله شهر بوکان بکار گیریم. ما باید در مبارزه علیه مواد مخدر و عوارض اجتماعی اش، تلاش برای بازپروری و سالم سازی معتادین و حفظ شخصیت انسانی- اجتماعی آنان را افزایش دهیم و این عرصه را به یکی از میدانهای مبارزه آزادیخواهانه و اجتماعی خود، تبدیل کنیم.

به ما

کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.

زنده باد سوسیالیسم!

سند مصوب کنفرانس موسس حزب در باره سرنگونی (کدام سرنگونی؟)

معتقد هستیم به شکل سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی. سرنگونی که آینده و ماحصل آن و سرمایه اش نسبی کارگران و زنان و سوسیالیستها و آزادیخواهانی باشد که ۳۸ سال است تحت تحقیر و گرسنگی و فقر روزافزون سرکوب می شوند و آزادی و امنیت و رفاهشان سلب شده است. مهمترین ابزار تحقق این امر وجود رهبری انقلابی و فداکار، احزاب رزمنده، "حزب رهبر و سازمانده"، احزاب سیاسی- کارگری و سوسیالیستی و جدی در امر مبارزه انقلابی- سرنگونی، و توسل به قدرت متشکل طبقه کارگر و آزادیخواهان، به سازماندهی قهر انقلابی و انقلاب کارگری و تأمین هژمونی سوسیالیستی بر کل روند سرنگونی میباشد. ما این نوع سرنگونی را می خواهیم و از این مسیر و مکانیزمها به دنبال تحقق آن هستیم.

ما دنبال کشمکشهای درونی رژیم نبوده و روی آن سرمایه گذاری نکرده و نخواهیم کرد. از نظر ما مبارزات و اعتراضات اجتماعی مادامیکه متشکل و سازمانیافته و متحزب نباشد و تحت هژمونی سیاست انقلابی نباشد راه به جایی نمی برد. به روش تدریجی "مبارزه" که گویا قدم به قدم جنبشها رشد میکنند و آخر سر همه متحد می شوند و بعد انقلاب می شود و ما هم میرویم "انقلاب سواری" میکنیم و به هدف می رسیم، اعتقادی نداریم. ما به این سریال خیالبافی سه- چهار دهه امتحان پس داده شده و بی ثمر هیچ باوری نداریم. ما به سرنگونی از راه دخالت دولتهای غربی و رژیم چنج و انقلاب مخملی یا از طریق طرح ارتجاعی فدرالیسم یا به شیوه که امروز در عراق و سوریه و... به کارگران و زحمتکشان آن ممالک تحمیل کرده اند نه تنها اعتقادی نداریم که چنین سناریوهای را اوج بربریت و جنایت ضد انسانی قلمداد می کنیم.

خواست سرنگونی طلبی یک خواست واقعی و گسترده است. اما این خواست بر عکس بخشی از تصورات پوپولیستی هنوز به معنی در میدان بودن "جنبش سرنگونی" نیست. خواست سرنگونی نیز که هم اکنون در زمین و میدان واقعی جامعه وجود دارد، از نیروهای پرو غرب، ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی تا سلطنت طلبان و مجاهد، و همچنین خواست سرنگونی از موضع انقلابی- کارگری همه یکدست نیستند و به هیچ وجه یک هدف و یک جهت طبقاتی ندارند

و همه با همی نیز در کار نیست! پوپولیستها و راستها از جنبش سبز تا تشیع جنازه رفسنجانی و حضور جنبشهای ارتجاعی دیگر قومی و مذهبی را همه در کیسه "جنبش سرنگونی" جمع آوری کرده اند. این سیاستها یک سیاست کمونیستی - سرنگونی طلبانه نیست! علیه شکل گیری روند واقعی جنبش آزادیخواهانه و خود آگاه طبقاتی و سرنگونی طلبی واقعی و رادیکال است! ما بر وجود خواست سرنگونی و نارضایتی وسیع کارگران و زنان و توده های زحمتکش و جوانان در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و همینطور سرنگونی طلبانه تأکید می کنیم و فکر میکنیم اینها را نباید و نمی توان در یک بسته یکدست "جنبش سرنگونی" ریخت.

سال ۵۷ در دوره شاه همین کار اشتباه آمیز را کردیم. همه شدیم "جنبش سرنگونی طلب علیه شاه" بدون اینکه بدانیم یا از قبل آماده شده باشیم که چه چیزی را جایگزینش می کنیم. بنا به همین دلیل ساده لوحانه اتفاقا آنهایی که از فرانسه و مسجدهای ایران نظاره گر ریختن خون ما مبارزین و کارگران به دست اوباش رژیم شاه بودند، آمدند سلاحهای همان "ارتش مردمی" و زندانهای شاه را تحویل گرفتند و ما را با آن سرکوب کردند و خود فرمان "جنبش سرنگونی طلبانه مرگ بر شاه" را بدست گرفتند. تکرار دوباره این سناریو در این دوره و زمانه یک حماقت سیاسی بزرگ است! به ما گفتند متحد شوید فعلا شاه برود بعدش مهم نیست، دیدیم که بعد از آن اتفاق با تحول بسیار جدی، ناموفق و پر هزینه روبرو گردیدیم!

ما به صف و پرچم مستقل سوسیالیستی- کارگری و به هدف ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی و تحقق یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، مدرن، سکولار و خوشبخت معتقد و متکی هستیم. تنها و تنها برای به پیروزی رساندن این جنبش و هدف مبارزه خواهیم کرد! در نتیجه امر سرنگونی این حکومت جانی امر خود ما در جامعه ایران، با حزب و پرچم و رهبری رادیکال و سوسیالیستی، با پرچم و قدرت متشکل کارگری، و صف مبارزه آزادیخواهانه، و سر انجام با انقلاب کارگری و به قدرت شوراها ی کارگری و ملیس توده ای باید کلیت این نظام فاشیست را از صحنه ایران و تاریخ محو و به زیاله دان تاریخ سپرد. این ممکن است اگر طبقه کارگر و مخاطبین ما به این حزب و سیاست و اهداف و دورنما بپیوندند.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۸ مرداد ۱۳۹۶

۱۹ آگوست ۲۰۱۷

برای تماس با رهبری حزب
سوسیالیست انقلابی ایران
با آدرس مایل و تلفنهای زیر تماس
بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳

۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

من سهراب
کرمانشانی هستم
کارگر رشته...
مقیم

به اطلاع می
رسانم که به حزب
سوسیالیست انقلابی
ایران می پیوندم
زنده باد
سوسیالیسم!

تینا خلیفی هستم

تصمیم گرفتم به حزب سوسیالیست انقلابی بپیوندم
در این زمینه ها..... ظرفیت فعالیت کردن دارم
دلایل اصلی برای انتخاب یک حزب سوسیال انترکتی در یک بعد
ریالیته و ثبات اساسنامه ای و قانونی همراه با میدان فراخ برای
پیشرفت زن، بودن ۴ زن فعال در بخش رهبری حزب و مجال و
فرصتی رقصان برای نشان دادن توان و منیت زن و وجود
استقلال بیانی آنها در ازای عقاید و فکر خود، و همچنین دارای
کادرهای بسیار مجرب و سازماندهی ایدال برای فعالیت سیاسی و
تجربه دیپلوماسی کادرهای حزب و پلان های دقیق و تاکتیکی
برای آینده و ایده ای برای روبرو کردن حقیقت برای افرادی که
از محدودیت ذهنی و رنج و بی ثباتی جامعه در عذاب هستند.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

سند مصوب کنفرانس موسس حزب در باره سیاست ما در جنبش کارگری

آرزوهای خود فریبنده و آرمانهای درهم شکننده جمهوری اسلامی سهراب کرمانشاهی

از همان آغاز سال ۵۷ تا به امروز علاوه بر سرکوب و کشتار جمهوری اسلامی، آرزوهای خود فریبنده بخشی از مردم باعث گردید که روز به روز بیشتر در چاله جمهوری اسلامی گیر کنیم و اکنون بیشتر از هر زمانی نمایان شده است. بخش زیادی مردم همچنان به اجبار و از روی ناچاری مبادا روزی روزگاری تجربه ای تلخ تر از نظام اسلامی پیشرو داشته باشند، خود را محکوم به "پذیرش" این سیستم استبدادی کرده اند.

آن روی سکه عملکرد ضعیف گروه‌های سیاسی اپوزسیون نیز هست که تا امروز توان مقابله با چنین رژیم را از دست داده و نتوانسته اند خود را با شرایط امروز جامعه منطبق نمایند. نسبت به باورهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قشر زحمتکش جامعه تا به حال نتوانسته اند خط مش جدید را ارائه دهند. و از طرفی قدرت و توان سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی مردم نسبت به دادن هزینه های بعد از خسارت‌های مادی و روانی هشت سال جنگ و پس از آن تحریم های گسترده کشورهای غربی که کارگران و زحمتکشان را به زانو درآورد، کمتر شده است.

آنچه که هیچ وقت فراموش نخواهد شد از هم کسب‌خستگی بنیاد خانوادها و زندگی کودکان به خاطر بیکاری وسیع، فقر اعتیاد و طلاق که سر منشا فساد و فحشا است گریبان گیر مردم شریف ایران شده است. هم اکنون بزرگترین سوالی که برای قشر آسیب پذیر اجتماعی پیش آمده و هر روز دردناک تر از روز گذشته روان را آزار میدهد این است که چگونه می توان با هزینه کمتر ریشه استبداد مذهبی را خشکاند و به سمت آزادی و برابری و یک جامعه بدون حاکمیت مستبدین دینی و ملی گام برداشت.

باید باور داشت که بخشی از موانع‌های سر راهمان آن فرهنگ دینی پوسیده ای است که حکومت نیز چهل سال است آنرا تقویت کرده است و ریشه دوانیده است. بعد از هزار و چهارصد سال تبدیل به یک درخت کهنسال شده و ریشه اش تا درون مغز انسانها پیش رفته. و امروز همه ما واقف به آن هستیم که این بیماری قابل علاج نیست مگر با از بین بردن سر اصلی آن در حاکمیت و همزمان با آگاهی بخشی توسط قشر روشنفکر اجتماعی و نیروهای سوسیالیست و مترقی و سکولار.

اگر نگاهی گذرا به حساسیتهای حکومت بیندازیم متوجه این مسله میشویم که عمدتاً دست روی یک نکته گذاشته اند و هر روز و هر روز آن را تکرار میکنند، که همانا "تجاهم فرهنگی" میباشد. خود آنان نیز می دانند اگر روزی فرا رسد مردم فرصت کنند و آگاه بر حقوق خود گردند و فرهنگ اسلامی را پس بزنند، استبداد مذهبی مجبور به شکست و به سوی نابودی پیش خواهد رفت.

ناگفته نماند کسانی که ادعای روشنفکری مذهبی دارند، خیانت‌های بسیاری در این رابطه مرتکب شده و سبب شده اند که بسیاری از مردم قربانی دست خرافه های آقایان هستند. اینها با پرو بال دادند به تئوری دروغین "مردم سالاری دینی" و "اصلاحات" به بقای همین حاکمیت بیش از هر کس دیگری کمک نموده اند.

امروز حزب سوسیالیست انقلابی ایران در تلاش است همسو با مردم زحمتکش و کارگران ایران و احزاب چپ انقلابی مبارزه و امید تازه ای برای کسب پیروزی بر نظام مستبد و اسلامی حکومت حاکم بر ایران فراهم کند. **زنده باد سوسیالیسم!**

چون معتقدیم تا خود کارگر و کمونیزم و جامعه کاری نکند هیچ اتفاقی به نفع آنها رخ نخواهد داد! حتی نمی گوییم تمام قدرت شما در "اعتراضات خیابانی" است، اول مه تان را ببرید در دشت و کوه برگزار کنید! و از آنها عکس بگیرید.

چسبیدن محکم به منفعت طبقاتی کارگری علیه کلیه وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ملی دولت و طبقه حاکمه و جامعه، اتکا صرف به سیاست سوسیالیستی، به تحزب کمونیستی و باور داشتن به اهرم موثر خواباندن چرخ تولید و اعتصاب متحد و سراسری به هدف به زانو در آوردن دولت و سرمایه داران تاکید خواهیم کرد. ما برای شکل یابی از جمله در شکل مجامع عمومی و شوراهای کارگری محلی و سراسری با تمام قدرت فعالیت می کنیم. تشکیل یابی و تحزب کمونیستی کارگر را رمز پیروزی آن جنبش می دانیم.

حزب ما نه فقط از نظر برنامه و اهداف سیاسی و کارگری روشن سوسیالیستی که دارد، حتی از نظر عملی و ترکیب نیروی انسانی تشکیل دهندگان آن نیز جزو احزاب استثنائی است که از طرف کارگران صادق و راستین کمونیست و سوسیالیست و فعالین و جوانان چپ و انقلابی تشکیل شده است، این حزب واقعی طبقه کارگر و محرومان و استثمار شوندهگان جامعه ایران، حزب سوسیالیسم فوری و حزب انقلاب کارگری است. پیوستن به آن مایه افتخار هر کارگر و کمونیست و انسان رزمنده و انقلابی است!

حزب سوسیالیست انقلابی

ایران

۲۸ مرداد ۱۳۹۶

۱۹ آگوست ۲۰۱۷

در عرصه جنبش کارگری ضمن اینکه خود را حزب کل طبقه می دانیم اما فکر نمیکنیم رمز پیشروی مبارزه سیاسی اقتصادی کارگر در گرو نقش گرایش رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی صفوف طبقه است، در گرو ایجاد تشکلهای سازمانهایی است که متعلق به سنتهای مبارزاتی آن گرایش و جنبش پیشرو مطالباتی و سیاسی جنبش کارگری است، از اینرو سیاست پایه و کلیدی کار ما تقویت محافل پیشرو کارگری و گرایش سوسیالیست امر اول فعالیت حزب ما خواهد بود. در این راستا نقد تشکلهای راست سندیکالیست، تشکلهای ارتجاعی دست ساخت دولت مانند شورای اسلامی، خانه کارگر و انجمن صنفی ها وظیفه محوری خود می دانیم. حزب ما خود محصول این خط و گرایش و از طرف فعالین کمونیست داخل و خارج کشوری این جنبش پیشرو تشکیل شده است. نفس این اتفاق یکی از تفاوت‌های بنیادی ما با جریان‌ات اپوزیسیون چپ خارج کشوری است.

ما برعکس چپ غیر کارگری و پوپولیست موجود، کارگران را دنبال نخود سیاه نمی فرستیم، آنها را دنبال انجمن های صنفی یا سندیکالیست‌ها نمی فرستیم. به آنها نمی گوییم به کشمکش درونی رژیم امید ببندید، به قانون کار ضد کارگری و یا فلان ماده در آن امید ببندید، به گرایش‌اتاقانگرا و سندیکالیست و اصلاح طلب امیدوار باشید. تحلیل و امید های بورژوائی و غیر واقعی مبنی بر اینکه رژیم دارد می رود، بعد از برجام سرنگون می شود، رفتنش حتمی است و غیره را تحویل نمی دهیم.

زنان و جوانان انقلابی به حزب بپیوندید

انسانم آرزوست
 به طرف پاریس و با پای پیاده ۱۵۰ کیلو متر
 برای حمایت از رضا شهبانی و خانواده اش
 رامین حسین پناهی و خانواده اش
 تمام زندانیان اعتصابی در زندان گورهدشت و همه زندانیان سیاسی
 زنده باد آزادی

حمایت و شرکت فعالین حزب سوسیالیست انقلابی در دفاع از زندانیان سیاسی و اعتصابی از جمله رضا شهبانی

فرانسه-
 گوتنبرگ
 سوئد



برای تماس با رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران با آدرس مایل و تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com
 ail.com

۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳
 ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶
 ۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

در دفاع از زندانیان سیاسی از جمله فعالین کارگری در بند متحد شویم!

از پیشروان جنبش کارگری میخواستیم در حزب سیاسی شایسته خود متشکل شویم

(گفتگوی نشریه سوسیالیسم امروز با رفیق عزیز آجیکند، معاون دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی)



این فعال کارگری، به دلیل شکنجه‌های نیروهای امنیتی در هنگام بازداشت و همچنین بازجویی‌های طاقت فرسا از ناحیه گردن و کمر آسیب‌های جدی دیده است. با این وجود مسئولان نامسنول و ضد کارگری قضایی رژیم با درمان وی در خارج از زندان مخالفت کرده اند. شکی نیست که مسئولیت هر گونه عواقب ناگوار ناشی از تحمیل اعتصاب غذای رضا شهابی و تمام زندانیان دیگر در اعتصاب غذا مستقیماً بر عهده جمهوری اسلامی است. ما صمیمانه از رضا شهابی و دیگر اعتصابیون می‌خواهیم که به اعتصاب غذای خود پایان دهند.

بدون شک اعتصاب غذا و استقامت زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر کرج و تمامی فعالین کارگری در مقابل دژخیمان جمهوری اسلامی، بیانگر رمزندگی قابل تحسین زندانیان است. اعتصاب غذا و استقامت این انسانهای مبارز بخشی از مبارزه عادلانه و آزادیخواهانه مردم ایران می‌باشد. پایان دادن به چرخه اعتصاب غذاهای مکرر و تحمیل شکنجه گرسنگی و به خطر افتادن جان شریف ترین انسانها در زندانهای ایران در گرو حمایت ما از خواسته‌های این عزیزان و دامن زدن به جنبشی بزرگ برای دفاع از حقوق انسانی همه زندانیان در زندانهای ایران و گسترش مبارزه جدی طبقه کارگر و همه آزادیخواهان علیه کلیت نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی است.

می‌کند. زندانیان همچنان در شرایطی زیست می‌کنند که بیش از چهل دوربین مداربسته و دهها دستگاه شنود که حتی در حمام و توالت نصب شده اند، کوچکترین حریم خصوصی را از آنها گرفته است.

لازم به توضیح است به رغم ضرب و شتم‌های صورت گرفته در روز انتقال و به یغما بردن و تخریب وسایل شخصی آنان از جمله عکس‌های خانوادگی (حتی عکس کودکان)، هنوز هیچ مسئولی نسبت به این امور پاسخگو نبوده است و نحوه ی غارت اموال به گونه ای بوده که سربازان بر سر به یغما بردن اموال زندانیان به نزاع پرداخته اند. در همین حال، بیش از ۴۰۰ نفر از فعالان سیاسی و اجتماعی با نگارش نامه‌ای سرگشاده، نگرانی خود را درباره وضعیت این افراد اعلام کردند. در بیانیه ای هم که از طرف خانواده‌های زندانیان سیاسی در این زمینه منتشر شده است از زندانیان خواسته شده که به اعتصاب خود پایان دهند و راه و شیوه دیگری را برای پیگیری مطالبات اتخاذ نمایند. رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد هم همچنانکه میدانید در اعتراض به تحمیل غیرقانونی ۹۶۸ روز حبس مضاعف، از بدو ورود به زندان رجایی شهر دست به اعتصاب غذا زده و علیرغم صدمات جسمانی ناشی از اعتصاب غذاهای قبلی و شرایط بازجویی و زندان، در اعتصاب غذا بسر می‌برد.

نیز پس از ۴۴ روز اعتصاب غذا به هیچ وجه خوب نیست. در کنار همه این نگرانی‌ها اما پرونده سازی جدید علیه زندانیان اعتصابی آنها را بامشکلات دیگری روبه رو کرده است: یک پرونده جدید برای ۱ نفری که انفرادی بوده اند، باز شده و حتی در پرونده و پوشه زندان آنها ثبت شده است. اتهاماتی که به آنها نسبت داده اند عبارتند از: توهین به رهبری، توهین به مقامات کشوری، اخلال در نظم و...

زندان شرایط: تمام شرایط، همان شرایط سابق و کلیه زندانیان از امکانات اولیه محروم هستند. هیچ گونه تهویه هوایی وجود ندارد. آب آشامیدنی سالم در دسترس نیست. هیچ امکاناتی وجود ندارد و هیچ کدام از وسایل آنها از جمله تصفیه آب، کولر، هواکش، تلویزیون و... که در سالن قبلی (سالن ۱۲) داشته اند به آنها داده نشده است. همچنین به علت بستن تمام منافذ و پنجره ها از طریق جوش دادن ورقه های فلزی و فنس، هوای کافی در سلولها وجود ندارد و هوا به سختی جریان دارد. در روز تنها ۲ ساعت هواخوری اعلام می‌شود که استفاده از آن هم به دلیل بالا بودن سالن ۱۰ و تعداد پله‌ها، برای همه ی زندانیان از جمله افراد سالخورده و بیمار و اعتصابی به سختی صورت می‌گیرد. اعتصابی‌ها به شدت ضعیف شده اند و رسیدگی پزشکی به هیچ عنوان صورت نمی‌گیرد. به طوریکه بهداری زندان کماکان از معاینه و گرفتن فشارخون و سرم زدن خوداری

سوسیالیسم امروز:
آخرین اخبار از سرنوشت اعتصاب کنندگان در زندانهای رژیم، از جمله اعتصاب غذای فعال کارگری، رضا شهابی، چیست و دامنه اعتراضات در این رابطه به کجا رسیده است؟

عزیز آجیکند: بیش از یک ماه و نیم از اعتصاب غذای دهها تن از زندانیان سیاسی- عقیدتی در زندان رجایی شهر کرج می‌گذرد. این زندانیان از روز هشتم مردادماه تاکنون در اعتراض به عدم رعایت حقوق اولیه انسانی شان از جانب رژیم، دست به اعتصاب غذا زده اند. طبق گزارشات منتشره وضعیت آنها نگران کننده و بهداری زندان رجایی‌های درمانی شهر از مراقبت لازم برای زندانیان اعتصاب کننده خودداری میکند و مسئولان زندان رجایی شهر کرج زندانیان اعتصاب غذاکننده را به صورت تنبیهی از ملاقات حضوری محروم اند کرده. در حال حاضر طبق آخرین گزارشها تعداد زندانیان اعتصابی یازده نفر اعلام شده است. عده ای دیگر از اعتصابیون که در روزهای قبل حالشان وخیم شده بود به نحوی دیگر با هم بندهای در حال اعتصاب غذای خود همراهی میکنند. در این میان هم رضا شهابی خواهان آزادی خود است. وضعیت جسمی بقیه زندانیان

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن پیوندید!

سوسیالیسم امروز : حزب سوسیالیست انقلابی در این رابطه طی اطلاعیه ای اعلام موضع کرده بود، به آن دسته از علاقمندانی که اطلاعیه را ندیده باشند سیاست شما در برخورد به این رویداد چه بوده است؟

عزیز آجیکند : ما چه در اطلاعیه حزب و چه در سایت سوسیالیسم امروز مشخصا اعلام کرده ایم که رژیم جمهوری اسلامی با تداوم موج اعدام ها، ضرب و شتم زندانیان، توهین و بی حرمتی به آنان با احضار و بازجویی های مکرر و پاپوش درست کردن و پرونده سازی، پراکنده ساختن زندانیان سیاسی و ایزوله کردن آنها در سلول های انفرادی و محروم ساختن شان از امکانات پزشکی و درمانی و قطع ارتباط زندانیان با خارج از زندان می خواهد فضای ارباب داخل زندان ها را به بیرون انتقال دهد. ما بر این باور هستیم که حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی زندان گوهر دشت و اعتصاب غذای رضا شهابی و دیگر زندانیان حامی و پشتیبان این حرکت در زندانهای دیگر ایران برگ جدید و درخشانی است از رشد مبارزه و روحیه مقاومت زندانیان سیاسی در ایران. این اعلام همبستگی مبارزاتی در میان زندانیان سیاسی علیرغم تلاش و فشار کارگزاران رژیم برای به سکوت کشاندن و تمکین آنها، دلیل روشنی است مبنی بر اینکه زندانیان سیاسی نه تنها مرعوب فضا سازی رژیم با اعدام ها، توطئه ها و پاپوش درست کردنها و اذیت و آزار اعمال محدودیت ها و فشار بر خانواده شان نمی شوند،

بلکه در مقابل زورگویی مقامات و قوانین ضد بشری نظام جمهوری اسلامی به مبارزه متحد و متشکل اقدام می نمایند. رژیم هار جمهوری اسلامی از سر استیصال، چهار دیوار زندان و مقابله با زندانی بیدفاع رابه میدان قدرت نمائی خود تبدیل کرده است. این قدرت نمایی ضد انسانی را به نیروی مبارزه توده ها در خارج از زندان بایستی رسوا کرد و به شکست کشاند. با توجه به زمینه های سیاسی و اجتماعی موجود اعتراضات زندانیان در اشکال مختلف گسترش خواهد یافت. این اعتراضات بنا به طبیعت خواستها و مطالباتی که ریشه در بیش از چهار دهه محرومیت اکثریت مردم زحمتکش ایران دارد چه در محتوا و چه در شکل رادیکال تر خواهد شد. ما در حزب سوسیالیست انقلابی ضمن اینکه مسئولیت هر گونه عواقب ناگوار ناشی از تحمیل اعتصاب غذای رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی را مستقیما برعهده جمهوری اسلامی می دانیم، همچنانکه در بالا هم به آن اشاره شد صمیمانه از رضا شهابی و دیگر زندانیان اعتصاب کننده می خواهیم به اعتصاب غذای خود پایان دهند. حزب سوسیالیست انقلابی خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری این فعال کارگری و رسیدن به خواسته های دیگر زندانیان سیاسی در زندان گوهر دشت کرج و دیگر زندانیان در حال اعتصاب است.

سوسیالیسم امروز : معضلات جنبش کارگری و دامنه سرکوب و تحمیل بی حقوقی و گرسنگی به آن به قدمت حاکمیت سرمایه داری اسلامی ادامه داشته است، اکنون مهمترین مسائل پیشروی جنبش کارگری چیست؟ سیاست محوری حزب سوسیالیست انقلابی در رابطه با جنبش طبقه کارگر چیست؟

عزیز آجیکند : از نظر ما فعالین حزب سوسیالیست انقلابی، مبارزه اقتصادی و روزمره کارگران در ایران بخش مهم و جدایی ناپذیری از مبارزه طبقه کارگر بر علیه نظم موجود است. تعرض همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به طبقه کارگر، کار و زندگی کارگران را با دشواری های روزافزون و جانفرسائی روبرو ساخته است. بیکار سازی های مداوم، عدم امنیت شغلی، رواج گسترده قراردادهای کاری کوتاه مدت سقوط دستمزدهای واقعی و عدم پرداخت به موقع همین دستمزدهای ناچیز، طبقه کارگر ایران را در یکی از دشوارترین دوره های حیات خود قرار داده است. هر دم بر شمار بیکارانی که اکثریت آنها را جوانان آماده به کار تشکیل می دهند و امید به پیدا کردن کار ندارند، افزوده می گردد. تلاش گسترده فعالین کارگری برای ایجاد تشکل های کارگری مستقل از دولت، تلاش برای برگزاری مراسم و آکسیون های مستقل و خواست هایی که مطرح کرده اند نشان می دهد که کارگران به تدریج درمی یابند که پایان دادن به این شرایط مصیبت بار و غلبه بر این بحران راه حلی " سرمایه دارانه " ندارد. این بن بست تنها بوسیله تعرض انقلابی طبقه کارگر به بنیادهای نظام سرمایه داری و با کسب رهبری این طبقه بر دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی شکسته می شود. طبقه کارگر ایران طی چهاردهه حاکمیت جمهوری اسلامی علیرغم پراکنده بودن مبارزاتش دستاوردهای ارزشمندی کسب کرده است. اعتراضات و اعتصابات روزمره - کارگران نشان می دهد که، طبقه ی کارگر ایران مرعوب سرکوبگری های خونین و تعقیب و بگیر و ببند هر روزه - فعالین و پیشروان کارگری نشده است.

ما فعالین حزب سوسیالیست انقلابی ایران بر این باوریم که در مبارزات جاری کارگران فعالین و رهبرانی پرورده شده اند که با شناخت از منافع آتی و دراز مدت طبقه کارگر و مرزبندی روشنی که با استراتژی سیاسی و عملکردهای گرایش فرمیستی و سندیکالیستی درون جنبش کارگری دارند، سوسیالیسم را افق مبارزه خود قرار داده اند. مبارزات جاری کارگران با تمام اهمیتی که دارد، فقط با دخالت آگاهانه و نقشه مند این طیف پیشروان کمونیست جنبش کارگری است که می تواند در راستای تشکل یابی طبقاتی، تحزب یابی و اهداف دراز مدت - تر طبقه ی کارگر قرار گیرد و به شکل گیری بدیل سوسیالیستی به عنوان یک آلترناتیو عملی و در دسترس یاری رساند. تنها با دخالت نقشه مند و مسئولانه در این روند پافشاری بر سیاست های کارگری و سوسیالیستی است که می توان اعتماد بخش وسیعی از فعالین و رهبران کارگری را جلب نمود و به شکلی عینی در رهبری سیاسی جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیرو اجتماعی قرار گرفت. ما از همه پیشروان و رهبران جنبش کارگری می خواهیم و ضروری است که در حزب سیاسی شایسته خود متشکل شوند. تردیدی نیست که برپائی تشکل های صنفی و طبقاتی کارگران نقش عظیمی در تغییر توازن قوا به نفع طبقه ی کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری و رژیم آن را خواهد داشت. بنابراین کارگران سوسیالیست که حضور و دخالت فعال در مبارزات جاری کارگران را امر تعطیل ناپذیر خود می دانند

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با
نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیماً به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جناپتکار اسلام کمک فوری
خواهد کرد.

باید به این امر توجه داشته باشند و نباید منافع عمومی طبقه کارگر را از یاد ببرند، نباید هیچگاه اصل کمک به ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران و خدمت به امروحدت طبقاتی و تشکل یابی کارگران در دل این مبارزات را برای یک لحظه از نظر دور دارند. در همین راستا، حزب سوسیالیست انقلابی ایران فعالین و رهبران جنبش کارگری و همه کارگران زحمتکش و سوسیالیست را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند.

سوسیالیسم امروز: فراخوان شما به جنبش کارگری هم در رابطه اعتصاب کنندگان و هم بطور کلی علیه نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی چیست؟

عزیز آجیکند: جنبش کارگری نباید در قبال همکاران و فعالین خود بی تفاوت باشد ضمن اینکه باید از اعتصاب کنندگان زندانی بخواد که به اعتصاب خود پایان دهند و راه و شیوه دیگری از مبارزه برای دستیابی به خواستههای خود در پیش گیرند باید از آنها حمایت و پشتیبانی کند و با برپایی آکسیون و اعتراض در اماکن عمومی از همه مردم و آزادیخواهان بخواند از خواست برحق زندانیان سیاسی و فعالین کارگری دفاع و پشتیبانی کند و نگذارد که رژیم جمهوری اسلامی به خواستههای خود برسد. گسترش این اعتراضات و حضور و حمایت کارگران از زندانیان و فعالین کارگری در این دوره نقش تعیین کننده ای در زنده نگه داشتن و تقویت فضای مبارزاتی و بازکردن فضای سیاسی چه در زندان و چه در جامعه دارد. تأثیرات اعتصاب غذای زندانیان و فعالین کارگری و مبارزه هر روزه کارگران و مردم آزادیخواه ایران، با مبارزات تاکنونی خود تناسب قوی جدیدی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است که نتیجه همه این تلاشها عاقبت به زانو در آوردن این حکومت است.

بدون شک هم جهت کردن، هماهنگی و همزمانی در این مبارزات زندانیان و جلب به موقع همبستگی و حمایت واحدهای مختلف کارگران از زندانیان و از مبارزاتشان بدون ارتباط نزدیک میان رهبران و فعالین کارگری پیشرو و مبارزی که سر رشته مبارزه در واحدهای مختلف را درست دارند ممکن نیست. اکنون فعالین و پیشروان کارگری که بطور متشکل یا بطور منفرد فعالیت های خود را پیش می برند، باید در چنین فرصتهایی نقشه عمل های خود را برای فشار آوردن به جمهوری اسلامی به کار گیرند. حاصل این مبارزات متحدانه و سراسری میان کارگران و زندانیان اعتصاب کننده رژیم جمهوری اسلامی را از تعرض به کار و زندگی و معیشت کارگران به عقب می راند، فضای مبارزه جویی را در جامعه تداوم می بخشد و پیشروی مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تضمین می کند. بدون شک سازماندهی این جنبش بر دوش فعالین و پیشروان جنبش کارگری و بویژه کارگران کمونیست قرار می گیرد. زندانیان سیاسی و فعالین کارگری و کارگران و توده های مردم زحمتکش در جریان اعتراض و مبارزات تاکنونی آنقدر تجارب با ارزش به دست آورده اند تا با تشخیص درست توازن قوای موجود، با کمترین هزینه ها و در اشکال متنوعی از مبارزه جمهوری اسلامی را به چالش بکشند و علیه فئودالیسم موجود، با کمترین هزینه ها و از مبارزه بگذارند. کلام آخر این است که استقامت زندانیان سیاسی و موج حمایت از خواست و مطالبات بر حق آنان سرانجام کارگران رژیم و مسئولین زندان گوهر دشت و دیگر زندانهای زانو صفتان جمهوری اسلامی رابه زانو در میآورد. کارگزاران رژیم طی بیش از یک ماه گذشته با پشت گوش انداختن مطالبات زندانیان و با وقت تلف کردن عملاً زندانیان اعتصابی را در معرض خطر مرگ تدریجی قرار داده اند. مأموران رژیم در همانحال با تأکید بر خواست پایان دادن به اعتصاب غذا می خواهند مسئولیت هرگونه اتفاق ناگوار که ممکن است به مرگ زندانیان منجر شود را به گردن خود زندانیان بیندازد. در این شرایط لازم است زندانیان اعتصابی با آگاهی بر اهداف رژیم و به منظور خنثی کردن این شگردها و با دورنمای تداوم مبارزه در اشکالی دیگر و در بیرون زندان ها سرافرازانه به اعتصاب غذا پایان دهند.

	iransocialist2017@gmail.com	www.simroz.org	
۰۰۳۳۷۰۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳			

حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و همه ارکان مذهبیش ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرا میخواند!

حزب سوسیالیست انقلابی را به دوستان خود معرفی کنید. در اشکال مختلف تاسیس حزب انقلابی خود و آرم و آدرسهای تماس با آن را در مراکز کارگری و میادین شهرها و محلات بخش کنید. در هر جا که هستید چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید.

از هر راهی که از نظر امنیتی مناسبتر میدانید با حزب تماس حاصل نمایید.

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اخراج و بیکار سازی موقوف!